

معیار قرآن کریم برای بازنمایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی[♦]

هادی حاجی‌حسن دنیادیده^۱
محمدرضا شاه‌آبادی^۲
زهرا طالب^۳

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، بازنمایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی بود. در این پژوهش، مبانی و ارزشهای مقبول دین اسلام حجت بوده و از ارتباط عقلایی بین علوم، الگویی برای معرفت‌شناسی در علوم انسانی به دست آمده است. **روش:** روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و برای استنتاج، از تحلیل محتوای مضمونی به شیوه توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** برای پیاده‌سازی معرفت‌شناسی در علوم انسانی، روشهای مختلفی به دست آمد. برای شناخت خدا در دو بعد شناخت به خدای توحیدی و شناخت به الهه شرک و با دو روش کسب علم لدنی خاص و علم لدنی عام، با روش تفسیر صادق، در مبحث شناخت جهان در دو بعد شناخت به جهان طبیعی و شناخت به جهان ماورای طبیعی و با دو نوع روش کسب علم شعوری و علم اشعاری، با روش علم نافع جامع و در مبحث شناخت انسان در دو بعد شناخت به انسان مادی و شناخت به انسان ملکوتی و با دو روش کسب علم حضوری و علم حصولی، با روش علم ثمین غایت‌محور می‌توان به معرفت‌شناسی دست یافت.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، معرفت‌شناسی، علوم انسانی.

♦ دریافت مقاله: ۹۹/۰۹/۲۸؛ تصویب نهایی: ۹۹/۱۲/۰۴.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. تهران، ایران.
۲. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. تهران، ایران (نویسنده مسئول). نشانی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، شماره ۲۲۳/نمابر: ۸۸۳۰۸۳۱ / [Email: mrshahabadi@yahoo.com](mailto:mrshahabadi@yahoo.com)
۳. دکتری برنامه‌ریزی آموزشی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. تهران، ایران.

الف) مقدمه

برای علم اسلامی ویژگی‌های مختلفی بیان شده است؛ از جمله ویژگی‌های چهارگانه ذیل:

- علم اسلامی علمی است که تعلیم و تعلم آن برای رضای الهی باشد؛
- علم هنگامی اسلامی است که بر اساس آن عمل شود و در راه صحیح به کار گرفته شود؛
- ویژگی سوم مربوط به سلوک و رفتار عالم و یا فرهنگ جامعه علمی است؛ یعنی اگر مناسبات و روابط، جامعه علمی، فراگیران و عالمان دینی، اسلامی باشند، تعلیم و تعلم آنها مورد قبول اسلام است و اگر سلوک، رفتار و فرهنگ آنها غیر اسلامی باشد، تعلیم و تعلم آنها غیر اسلامی است.
- ناظر به ساختار درونی معرفت علمی است. علم اسلامی در این نگاه، علمی است که هویت درونی آن اسلامی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۲۲۰-۲۱۹)

علم معرفت‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که به بحثهایی نظیر کسب معرفت و قلمرو و ابزارهای کسب آن و ملاکهایی که با آنها می‌توان با اطمینان درباره حقیقت یا خطای علم و شناخت داوری کرد، می‌پردازد. (محمدرضایی، ۱۳۹۵: ۱۷)

معرفت‌شناسی، نظریه‌ای است که بیان می‌کند چطور انسان به معرفت از جهان اطراف خود دست یافته است، دست می‌یابد یا دست خواهد یافت و اینکه چگونه آنچه را می‌دانیم، می‌دانیم. (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۳)

با نگاهی به مباحث مطرح در معرفت‌شناسی، خواهیم دید که محور مرکزی همه مسائل آن، «علم و معرفت» است. درباره منظور از علم و معرفت، بین معرفت‌شناسان اسلامی و غربی اختلاف نظر وجود دارد. مراد از علم و معرفت نزد حکمای اسلامی، «مطلق علم و آگاهی» است که البته مراتبی دارد و بالاترین درجه آن، «یقین» است. ولی مقصود معرفت‌شناسان معاصر غربی (مثل شفلر^۱) از معرفت، علم و آگاهی است که آن را به «باور صادق موجه» (فعال، ۱۳۸۰: ۱۷) تفسیر می‌کنند؛ یعنی باور داریم که صادق است و موجه. این موجه بودن را خردورزی ایجاد می‌کند؛ پس به جای باور صادقانه موجه می‌توان گفت باور صادقانه خردمندانه (شاه‌آبادی، ۱۳۹۸: ۹۴). معرفت طبق نظر نخست، اعم از مفاهیم (تصورات) و گزاره‌ها (تصدیقات و قضایا) است؛ ولی طبق نظر دوم، فقط شامل گزاره‌ها می‌شود. (حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۸)

برای اینکه بدانیم آیا می‌توان از قرآن کریم، الگویی برای معرفت‌شناسی در علوم انسانی استخراج کرد و به زبان ساده‌تر؛ آیا رابطه‌ای بین قرآن کریم و علوم انسانی وجود دارد تا الگویی از آن به دست آید، باید ابتدا به رابطه بین قرآن کریم و علوم انسانی اشاره کرد. علامه مصباح دلایل مختلفی را برای «رابطه تعاملی و سازگارانه قرآن و علوم انسانی» اقامه کرده است که عبارتند از:

- وجود مسائل و موضوعات دنیایی در قرآن؛
- پیوند سعادت دنیوی و اخروی؛
- ملازمه بین کیفیهای اخروی و عملکرد دنیوی؛
- بیان کلیات علوم انسانی در قرآن؛
- اشتراک موضوع و هدف قرآن و علوم انسانی. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۹۸)

هدف کلی قرآن کریم، تربیت، تزکیه و هدایت همه‌جانبه آدمی در زمینه‌های مختلف و تأمین سعادت او در دنیا و آخرت است و هدف و غایت علوم انسانی نیز همان‌طور که در تعریف علوم انسانی از منظر علامه مصباح به آن اشاره شد، تربیت و «تکامل روحی و معنوی انسان» است. اشتراک موضوع و هدف نیز اقتضا می‌کند که مباحث و روابط اجزای معرفت‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم بررسی شود.

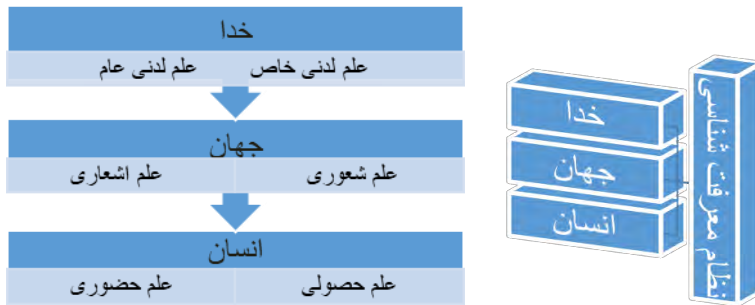
ب) روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای مضمونی به شیوه توصیفی تحلیلی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. تحلیل محتوا، روش تحقیقی برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج‌شده از متن است (نجیبیاس و فرانکفورد، ۱۳۸۹: ۴۶۹). در تحلیل محتوای مضمونی، پژوهشگر بر اساس معرفت‌شناسی عینیت‌گرا، آن را به کار می‌گیرد. در این پژوهش با توجه به گستردگی معرفت‌شناسی در اسلام، از روش شبکه‌مضمین برای تجزیه و تحلیل مضامین استفاده شده است. آنچه شبکه‌مضمین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه‌مضمین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در بر گیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه‌تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح، همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۸)

ج) یافته‌ها

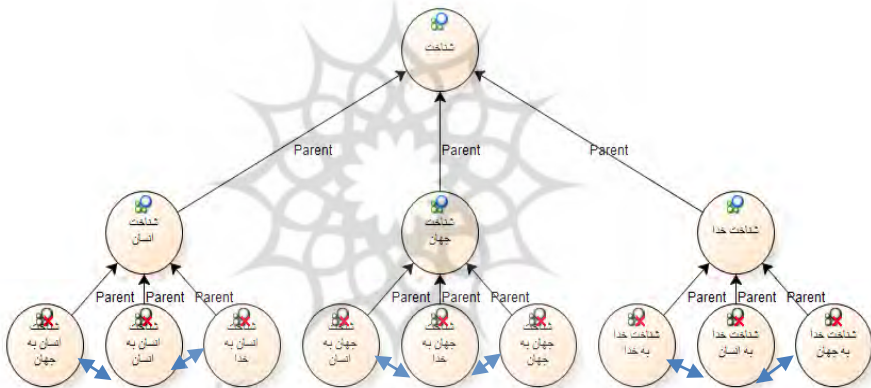
با توجه به اینکه رسیدن به معرفت الله نیازمند خودشناسی و معرفت به جهان است، چارچوب نظری معرفت‌شناسی در این پژوهش نیز از سه منظر خالق هستی (خداوند)، جهان هستی و انسان (شکل ۱) مورد توجه قرار گرفته است.

هادی حاجی حسن دنیادیده ♦ ۲۰۹



شکل ۱: چارچوب الگوی معرفت‌شناسی (حاجی حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۳۶)

در این چارچوب، شناخته‌های ایجاد شده طبق شکل ۲ صورت گرفته است.



شکل ۲: مدل ارتباطی انواع شناخت (حاجی حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۴۳)

۱. معرفت‌شناسی از منظر حق تعالی

یک) شناخت خدا به خدا

عقل بشر، حتی عقل پیامبران و اولیا و نیز عالی‌ترین موجودات در نظام هستی که مربوط به عالم مجردات‌اند، تنها درک ضعیفی نسبت به ذات اقدس ربوبی خداوند دارند. خدای متعال در سوره توحید، خود را به خوبی معرفی کرده و پیامبرش را چنین خطاب قرار داده است: «بگو خداوند، یکتا و یگانه است؛ خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند؛ [هرگز] نژاد و زاده نشد، و برای او هیچ‌گاه شبیه و ماندنی نبوده است». این معرفی اولاً، نشان از شناخت و معرفت خداوند نسبت به خودش است؛ زیرا تا خدا

خود را نشانند، نمی‌تواند به دیگران معرفی کند. این بنا بر قاعده معطی شیء نمی‌تواند فاقد آن باشد، قابلیت برهان‌سازی دارد (سیزوری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۱۶). ثانیاً، دیگران نیز چون انسان می‌توانند از این معرفت خدا در کلام الهی‌اش بهره ببرند و برای آنها نیز می‌تواند معرفت‌زا باشد.

در سوره لقمان، نمونه‌های فراوانی از چنین آیات دال بر شناخت خدا به خدا دیده می‌شود که خدا خود را عالم به غیب و جنسیت و دیگر کیفیات جنین و نیز کیفیت و جای مرگ افراد معرفی می‌کند. همه اینها علم مطلق او را رهنمون است که اگر خود به آن آگاه نباشد، طبق برهان خلف، لازمه‌اش این است که معرفت‌بخش؛ یعنی خدا که معطی است، خود فاقد شیء؛ یعنی معرفت باشد.

در سوره نجم، خدا به عیب مشرکان مگه می‌پردازد که برای خود، دختر داشتن را دوست ندارند و حتی آنان را زنده به گور می‌کنند؛ اما فرشتگان را دختران خدا می‌شمارند. خدا از طریق سلبی، می‌خواهد نسبت به خودش این علم را بدهد که فرزند و شریک و خانواده ندارد و واحد و صمد و لم یلد و لم یولد است. تمام این فرازاها قبل از علم‌بخشی برای دیگران، برای خود او معلوم بوده است؛ اما نه به صورتی که او نیاز به دانستن خودش داشته باشد؛ بلکه لازمه امکانی و عادی هر عالم مطلق این است که نسبت به خودش نیز علم داشته باشد.

جدول ۱: شناخت خدا به خدا

در بعد توحیدی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۱	لقمان	إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيُعَلِّمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۳۴)	همانا خداست که دانش [زمان برپایی] اقیامت منحصر به اوست، و [تنها اوست که] باران را می‌فرستد، و [اوضاع و احوال] آنچه را در رحم‌هاست می‌داند، هیچ کس نمی‌داند فردا چه چیزی [از خیر و شر] به دست می‌آورد و آحدی نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؛ به طور قطع، خداوند [به همه این امور] دانا و آگاه است.
در بعد الهه شرک			
۲	نجم	أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ (۱۹) وَمَنَاةَ الْكَاثِبَةَ الْأُخْرَىٰ (۲۰) أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ (۲۱)	به من از [دو بت خویش] «لات» و «عزى» خبر دهید و «منات»، سومین بت دیگرتان، [که شما آنها را تمثال فرشتگانی به عنوان دختران خدا می‌پندارید و می‌پرستید] آیا [به پندارتان] پسران ویژه شمایند و دختران ویژه خدا؟!!

دو) شناخت خدا به جهان

در مجموعه‌ای از آیات قرآن کریم (انبیاء: ۱۶-۱۸؛ ص: ۲۷؛ دخان: ۳۸-۳۹؛ احقاف: ۳؛ زمر: ۵؛ جاثیه: ۲۲) آمده است که آفرینش جهان هستی بر اساس حق استوار است؛ یعنی بر باطل نبوده و از روی بازی و لهو و لعب صورت نگرفته است. مطلب دیگر این است که مطالعه اجمالی در جهان آفرینش، ما را از این حقیقت روشن آگاه

هادی حاجی حسن دنیادیده ♦ ۲۱۱

می‌سازد که سراسر جهان، محل رشد و پرورش موجودات و تکامل آنهاست. هر موجودی، از جماد(مثل سنگ) و نبات(گیاهان) و حیوان تا انسان که شریف‌ترین مخلوقات است، همگی برای رسیدن به هدف و مقصد مشخص خلق شده‌اند و ابزار رشد و کمال هر موجودی در اختیارش قرار داده شده است و هر یک با برنامه مخصوص به سوی کمال می‌شتابد و این هم نشانه‌ای از شناخت خداوند به تمام مخلوقات است: «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

به عبارت دیگر؛ خدایی که عالم مطلق است و علم او همه چیز را فرا گرفته، نمی‌تواند عالم به جهان نباشد. گزاره‌هایی معرفتی در قرآن دیده می‌شوند که این قسم از علم مطلق خدا را نشان می‌دهند. البته برخی صریح‌اند، مانند گزاره‌هایی که خدا را عالم و علیم و سمیع و بصیر و لطیف نسبت به جهان می‌دانند و برخی نیازمند برهان‌اند، مانند گزاره‌هایی که خدا را قادر به موضوعی معرفی می‌کنند؛ از جمله آنچه در سوره فرقان می‌فرماید و به طور ضمنی او را عالم به آن نیز معرفی می‌کنند؛ زیرا طبق قاعده فلسفی، قدرت خدا نیز به علم جزئی و ریزین او برمی‌گردد(سهروردی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۳۷۸). از سوی دیگر، هدایت عام الهی نشانه هادی بودن خدا برای جهان و جهانیان است. هادی زمانی می‌تواند هدایتگر خوبی باشد که عالم نیز باشد. پس هدایت نیز به علم خدا برمی‌گردد و اگر گفته شود که هدایت عامه کل جهان توسط خدا انجام می‌شود، داخل آن این قضیه نیز مندرج شده که خدا به مبدء و مقصد کل جهان و چگونگی تکامل یافتن و به انحطاط رفتن آنان عالم است.

جدول ۲: شناخت خدا به جهان

در بعد خدای توحیدی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۳	فرقان	وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا (۵۳)	اوست که دو دریا را به هم پیوست، این خوش طعم و گوارا و آن شور و تلخ است و بین آن دو، حائل و حریمی نفوذناپذیر قرار داد [که هرگز با هم مخلوط نمی‌شوند].
در بعد الهه شرک			
۴	اعراف	وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ ۗ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ أُولَٰئِكَ كَالْإِتْمَامِ لِلْهُمِّ أَضَلُّ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹)	بسیاری از جنیان و آدمیان را [که می‌دانیم همواره به اختیار خودشان کفر را بر ایمان ترجیح داده و لیاقت بهشتی شدن را از دست می‌دهند] برای دوزخ آفریدیم؛ زیرا آنان دل‌هایی دارند که [در فهم معارف سعادت بخش اسلام] به کار نمی‌گیرند، چشم‌هایی دارند [که به سبب دل‌مشغولی‌های فراوان به امور مادی، آثار و نشانه‌های حق را] با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که [سخن حق را] با آن نمی‌شنوند. اینان مانند چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر، اینان [از معارف و حقایق الهی] بی‌خبرند.

سه) شناخت خدا به انسان

خداوند تبارک و تعالی، وجود مطلق و کمال مطلق است که هیچ گونه عیب و نقصی در آن نیست. خدا وجود بی‌همتایی است که توانایی انجام هر کاری را دارد و به همه اشیا در تمام حالات و زمانها آگاه است. خداوند نسبت به تمام مخلوقات خود، از جمله انسان در تمام ابعاد، شناخت و معرفت دارد. این قضیه، هم در قاعده هدایت عامه کل جهان مندرج است و هم می‌توان آن را تحت هدایت خاصه بشر قرار داد که یا بر اساس هدایت تشریحی است که پیامبران و کتب نازل و امامان و اوصیا برای او به ارمغان می‌آورند که در تعبیر اسلامی به آن حجت ظاهری گویند یا در هدایت تکوینی و نهاده‌ای، که عقل و فطرت به عنوان نهاده‌های از پیش قرارداده شده در انسان ایفا می‌کنند که در تعبیر اسلامی به آن حجت باطنی گویند. (ر.ک: ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۶۳)

جدول ۳: شناخت خدا به انسان

در بعد خدای توحیدی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۵	یونس	وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰)	گروهی از مردم [که اهل دانش و انصاف‌اند] به قرآن ایمان می‌آورند، و جمعی [هم] ایمان نمی‌آورند، پروردگارت به تبهکاران فتنه‌گردانتر است.
در بعد الهه شرک			
۶	یس	أَلَمْ نُعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۰)	ای فرزندان آدم! آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را نپرستید؛ زیرا او دشمن آشکاری برای شماست؟

چهار) شناخت رسولان به خدا

از آنجا که در هستی تنها مخلصین با خداوند نوعی سنخیت دارند، تنها اینان‌اند که می‌توانند خدا را به نحو صحیح و جامع بشناسانند و سپس آنچه شهود کرده‌اند توصیف کنند و انسانهای دیگر را به علم حصولی با خدا آشنا سازند. خداوند می‌فرماید: پاک و منزّه است خداوند از آنچه توصیف می‌کنند مگر بندگان مخلص خداوند. بی‌گمان این بندگان مخلص، رسولان و ائمه اطهار می‌باشند (صافات: ۱۶۰-۱۵۹). همچنین در قرآن بیان می‌کند که پیامبر(ص) در نزدیک‌ترین مکان معنوی نسبت به خداوند قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که نزدیک‌تر از آن تصور، امکان‌پذیر نیست (نجم: ۹-۸). این نشان می‌دهد که عارف‌ترین شخص در میان انسانها و حتی پیامبران نسبت به خدا، پیامبر اکرم(ص) است که تا این حد به مقام ربوبی نزدیک شده است؛ گرچه او نیز نمی‌تواند به شناخت کامل از خدا برسد. چنانکه از لسان پیامبران نیز گزاره‌های سلبی نسبت به عدم علم غیب و علم مطلق بیان شده است (هود: ۳۱)؛ همچنین خود را به سبب عملکرد خود نسبت به خدا، عالم می‌دانند؛ زیرا مخالفان خود را جاهل خطاب می‌کنند. (زمر: ۳۹)

هادی حاجی حسن دنیادیده ♦ ۲۱۳

البته رسولان نیز جزء انسانها هستند؛ اما چون شناخته‌های دیگری غیر از شناخت عادی انسانی نیز برای ایشان حاصل می‌شود، در این مقاله جدا دیده شده‌اند.

جدول ۴: شناخت رسولان به خدا

در بعد خدای توحیدی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۷	هود	وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدِرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۳۱)	من به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خداوند نزد من است، و ادعا نمی‌کنم که آگاه به غیبم، و نمی‌گویم فرشته‌ام، و درباره‌ی آنان که دیدگانتان خوارشان می‌بیند نمی‌گویم که خداوند هرگز خیری به آنان عطا نمی‌کند، خداوند به آنچه در باطن آنان است داناتر است، در این صورت [که ادعای این امور را داشته باشم] از ستمکاران خواهم بود.
در بعد الهه شرک			
۸	زمر	قُلْ أَغْفِرُ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَنْ أَعْبُدَ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)	بگو: ای جاهلان! آیا به من فرمان می‌دهید که غیر خدا را [که همه کاره جهان هستی است] پرستم؟! کاره جهان هستی است! پرستم!؟

پنج) شناخت رسولان به جهان

خداوند از نور خود در دل رسولان دمید تا به شناخت و معرفت دست یابند و رسولان نیز با تزکیه نفس، قلب خویش را برای مخالفت با خواسته‌های نفسانی و چشم‌پوشی از لذات دنیوی و در پیش گرفتن تقوای الهی در جمیع شئون زندگی آماده ساختند که این تزکیه نفس، آینه تابش نور حق شد و ایشان توانستند به تمام حقایق جهان دست یابند. همان‌گونه که در قرآن می‌فرماید: «اگر خدا ترس باشید، خدا شما را به حقایق هستی عالم می‌گرداند» (بقره: ۲۸۲) و به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «ای پیامبر ما! از طریق وحی چیزهایی به تو آموختیم که در توان تو نبود که از جانب خودت و با تلاش خودت بدان دسترسی پیدا کنی.» (نساء: ۱۱۳)

دانش گفتگو با پرندگان از سوی داود(ع) و سلیمان نبی(ع) و پیش‌بینی گمراهی قوم آزر(عموی ابراهیم) توسط ابراهیم(ع)، نمونه‌هایی از این معرفت نسبت به جهان پیرامون‌اند.

جدول ۵: شناخت رسولان به جهان

در بعد خدای توحیدی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۹	نمل	وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَقَالِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶)	سلیمان وارث داود شد، و گفت: ای مردم! آگاهی به نطق و گفتار پرندگان را به ما آموخته‌اند و از هر چیزی [از امکانات مادی و معنوی] به ما عطا کرده‌اند، به راستی این برتری آشکاری است.

در بعد خدای توحیدی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
در بعد الهه شرک			
۱۰	انعام	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَسْرَرْتُكَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَأَيْتُكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۷۴)	[به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم به پدر [خوانده] خود آزر گفت: آیا بُت‌های بی‌هویت و بدون اثر را به عنوان معبود انتخاب می‌کنی؟ من تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم.

شش) شناخت رسولان به انسان

پیامبران از نظر علمی، هم‌تا یا قریب‌الافتق بوده و احدی از آنان از پاسخ به سؤالات گوناگون درمانده نشده‌اند. مشخص می‌شود که سرچشمه علم آنان، معلم و استاد و کتاب و کاغذ نبوده است. آنان از منبع «وحی» بهره‌مند می‌شده، با «علم شهودی» به حقایق دست می‌یافته‌اند و با «علم حضوری» بی‌کران خود به حل مشکلات در موضوعات و مسائل مختلف می‌پرداختند و برای همین، هیچ‌گاه از پاسخ‌گویی طفره نمی‌رفتند و دچار عجز نمی‌شدند. این علم، از دقیق‌ترین حقایق الهی و اسرار معرفت تا مبانی علم هدایت و فطرت و تربیت و سیاست و عدالت و... همه را در بر می‌گیرد. در داستان یوسف در قرآن و تأویل خواب او برای دو زندانی که یکی کشته می‌شود و یکی ساقی پادشاه، این معرفت دیده می‌شود.

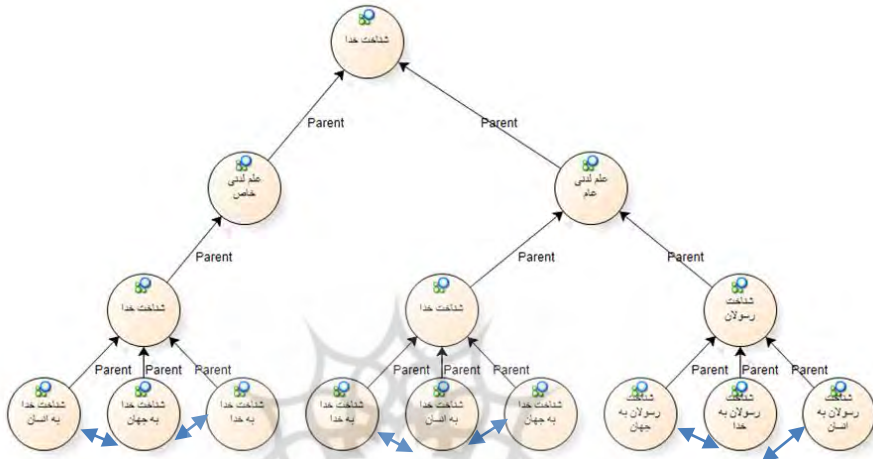
جدول ۶: شناخت رسولان به انسان

در بعد خدای توحیدی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۱۱	یوسف	قَالَ لَا يَا بَنِيَّ كَمَا طَعَامُ تَرْزُقَانَهُ إِلَّا نَبَاتِكُمْ بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكَ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۷)	[یوسف] گفت: هیچ جیره غذایی که سهم شماست به دستان نمی‌رسد مگر آنکه پیش از رسیدنش از ماهیت و ویژگی و مال آن آگاهتان می‌کنم، [تعبیر و غیب‌گویی من درباره] این دو [خواب] از جمله دانشی است که پروردگارم به من آموخته، من آیین مردمی را که به خداوند یکتا ایمان ندارند و به آخرت کافرند، رها کرده‌ام [و به شدت به آن بی‌اعتنایم].
در بعد الهه شرک			
۱۲	یوسف	يَا صَاحِبِ السُّجْنِ أَرْأَيْتَ إِنْ مُنَّرَفُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۳۹)	ای دو یار زندان! آیا معبودان گوناگون بهترند یا خداوند یگانه مقتدر؟

هفت) نتیجه اول

تنها راه شناخت این نوع معرفت‌شناسی، علم به ذات الهی است که مخصوص انبیای الهی و معصومین (ع) است؛ یعنی علمی که بشر عادی قادر به درک و توصیف و تفسیر آن نیست؛ همان‌طور که پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید: برای قرآن ظاهری و باطنی است. ظاهرش حکم و باطنش دانش است؛ ظاهرش زیبا

و باطنش ژرف است (کلبی، ۱۴۰۷: ۳۹۸). امام صادق (ع) نیز می‌فرمایند: قرآن مجید ظاهر و باطن دارد (همان: ۵۴۹). در حدیث دیگری، جابر نقل می‌کند که از امام باقر (ع) از تفسیر آیه‌ای پرسیدم. حضرت پاسخ دادند. دوباره پرسیدم، جواب دیگری فرمودند. دربارهٔ اختلاف دو جواب سؤال کردم. حضرت فرمودند: «انَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنَاً وَ لِبَطْنِ ظَهْرًا» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۰۰)



شکل ۳: مدل ارتباطی علم خدا (حاجی حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۵۵)

۲. معرفت‌شناسی از منظر جهان

شناخت جهان در دو جهان طبیعی (مادی) و ماورای طبیعی بررسی می‌شود. ماوراءالطبیعه؛ یعنی آنچه در ورای طبیعت است. منظور از طبیعت، عالم ماده و منظور از ماورای آن، عالم غیر مادی؛ یعنی عالم مجردات است. ماوراءالطبیعه را در متون اسلامی، عالم غیب گفته‌اند. عالم غیب نیز همان عالمی است که از نگاه حسی ما پوشیده است و تنها با عقل می‌توانیم نشانه‌هایی از آن بیابیم و با استفاده از وحی، جزئیات آن را به دست آوریم. مطالعهٔ اجمالی در جهان آفرینش، ما را از این حقیقت روشن آگاه می‌سازد که سراسر جهان، محل رشد و پرورش موجودات و تکامل آنهاست.

یک) شناخت جهان به خدا

هر موجودی، از گیاهان و حیوانات، اعم از پرندگان و حشرات و حیوانات صحرا و دریا، برای هدف معینی خلق شده‌اند. یکی از نکاتی که توجه ما را به اصل هدفمندی آفرینش موجودات سوق می‌دهد، توجه به وجود

نظم در میان پدیده‌ها و هماهنگی در نظام طبیعت است. اگر اندکی در کیفیت طلوع و غروب خورشید و حرکت ماه و ستارگان و نظم حاکم در روابط آنها دقت کنیم، متوجه می‌شویم که این نظم و حرکت آنها بر اساس تدبیری صورت گرفته است و نمی‌شود به طور تصادفی و بی‌هیچ هدفی باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۳۳-۱۳۲)

در حقیقت؛ جهان با زبان بی‌زبانی فریاد می‌زند که خدا هست و تسبیح او را می‌کند که این یا از سر تکوین و اجباری است که در آفرینش آن نهادینه شده است یا از شعور جبروت الهی که ناخواسته به سجده تکوینی و نه تشریحی می‌افتد. مانند آنچه در آیات مربوط به تسبیح آسمان و زمین و ملائکه نسبت به خدا وارد شده است.

جدول ۷: شناخت جهان به خدا

در بعد طبیعی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۲	نور	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱)	ای انسان!! آیا ندانسته‌ای که هر که در آسمانها و زمین است و نیز پرندگان بال گشوده، خدا را [با تسبیح گفتن از هر عیب و نقصی] پاک و مبرا می‌دارند؟ یقیناً هر یک به نماز و تسبیح خود آگاه است و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست.
در بعد ماورای طبیعی			
۱	بقره	قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۳۲)	فرشتگان گفتند: تو از هر عیب و نقصی پاک و منزهی، ما را دانشی جز آنچه خود به ما آموخته‌ای نیست، مسلماً تو بی‌نهایت دانا و حکیمی.

دو) شناخت جهان به جهان

طبیعی است کسانی که هستی را منحصر در عالم محسوس مادی می‌دانند، هر گونه مفهومی را که حکایت از هستی ورای عالم مادی کند، منکر باشند یا آن را تفسیر مادی و جسمانی کنند. اما قاطبه فیلسوفان الهی، هستی را ذومراتب می‌دانند یا دست کم آن را به دو مرتبه مادی و مجرد از ماده تقسیم می‌کنند که در اصطلاح دینی، عالم غیب و شهادت نامیده می‌شود. محققان در فلسفه اسلامی برای عالم غیب (مجردات) نیز مراتبی قائل اند که اولین مرتبه آن، مرتبه عالم مثال یا عالم برزخ است؛ چنانکه قرآن کریم فاصله مرگ تا قیامت کبری را بدین نام می‌خواند و می‌فرماید: «و بعد (از مرگ) تا برپایی قیامت در عالم برزخ می‌ماند». (مؤمنون: ۱۰۰)

اساساً اینکه جهان نسبت به خود داری یک معرفت است، جالب است. برای مثال، وقتی یک مورچه نسبت به سلیمان و لشکریان او که شامل غیر انسانها هم بودند- که بر اساس مبنای این مقاله معرفت نسبت به جهان می‌شود نه انسان- به دیگر مورچه‌ها اعلام خطر می‌کند، نشان‌دهنده یک نوع معرفت در وجود

هادی حاجی حسن دنیادیده ♦ ۲۱۷

اوست. یا زمانی که یک عفریت از طایفه جن، گزاره‌ای خبری از قدرت عجیب خود به وصی سلیمان، آصف بن برخیا می‌دهد، نشان‌دهنده معرفت اوست که با استفاده از آن این خبر را صادر می‌کند.

جدول ۸: شناخت جهان به جهان

در بعد طبیعی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۱	نمل	حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلُهُ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾	[پس از حرکت] وقتی به وادی مورچگان در آمدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به لانه‌هایتان وارد شوید تا سلیمان و سپاهانش ناآگاهانه شما را پایمال نکنند.
در بعد ماوراءطبیعی			
۱	نمل	قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾	کاردانی از جنیان گفت: من آن را پیش از آنکه از مسند خود برخیزی به نزدت می‌آورم؛ زیرا بر این کار توانا و امینم.

سه) شناخت جهان به انسان

از نظر اسلام، نه «وجود فی نفسه» جهان مذموم است و نه «تمایلات و علائق فطری و طبیعی» انسان. در این مکتب، جهان هم بی‌هوده آفریده نشده است. دنیا از نظر اسلام، مدرسه انسان و محل تربیت و جایگاه تکامل اوست. (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۱۰)

در قرآن کریم یک سلسله اطلاعات درباره جهان هستی و طبیعت هست که تدبیر در آنها و عمل به آنها در تنظیم ارتباط انسان با طبیعت مؤثر است؛ از جمله اینکه خداوند در قرآن تأکید می‌کند که طبیعت، زنده و باشعور است و انسان با جهانی آگاه و هوشیار سروکار دارد و قرآن تأکید می‌کند همه موجودات زبان دارند و خدا را تسبیح می‌کنند، اما ما آن را نمی‌فهمیم و درکی از آن نداریم.

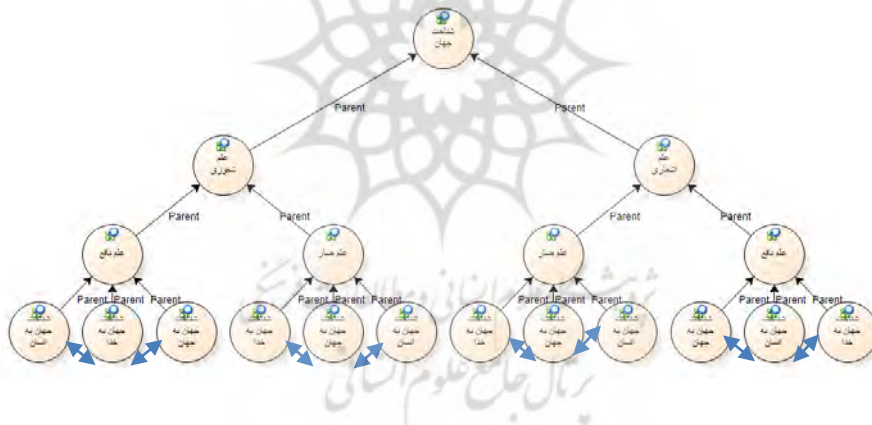
گاهی گزاره‌هایی در قرآن بر این امر دلالت دارند که جهان علاوه بر معرفت نسبت به خدا و نسبت به خود، به انسان نیز معرفت دارد؛ برای مثال، خبر هدهد از بلقیس، ملکه سبا و سلطنت او، یا آیاتی که دلالت بر مراقبت فرشتگان نسبت به انسان در ثبت و ضبط اعمال خوب و بد او دارند، نشانه از همین معرفت دارند.

جدول ۹: شناخت جهان به انسان

در بعد طبیعی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۱	نمل	إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾	[هدهد گفت] همانا زنی را یافتم که بر مردم آن سرزمین حکومت می‌کند، و از هر نوع امکاناتی [که برای حکومت لازم است] به او داده‌اند و دارای تختی بزرگ است..
در بعد ماورای طبیعی			
۱	انفطار	كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾ يَلْمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾	بزرگوارانی نویسنده که آنچه را انجام می‌دهید می‌دانند [و ثبت می‌کنند]

چهار) نتیجه دوم

راه شناخت این نوع معرفت‌شناسی از این نظر که کاشف فعل خداوند متعال می‌باشد، علم نافع است و می‌تواند راه سعادت و تعالی انسان را هموار کند.



شکل ۴: مدل ارتباطی شناخت جهان (حاجی‌حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۶۸)

۳. علم از منظر انسان

در قرآن کریم، بالاترین مدحها، ستایشها، مذمتها و نکوهشها از بین مخلوقات مختلف، شامل حال انسان می‌شود. گاهی انسان از فرشتگان برتر می‌شود و گاهی از حیوانات نیز پست‌تر. (مطهری، ۱۳۷۶: ۶)

قرآن کریم در آیات فراوانی، انسانها را به فراگیری علم و دانش و شناخت رازهای هستی و اسرار عالم آفرینش دعوت می‌کند و در برابر دیدگان مردم افق تازه‌ای می‌گشاید و شناخت و معرفت را وظیفه‌ای

قطعی قلمداد می‌کند و این دعوت زمانی انجام می‌گیرد که ابرهای جهل و تاریکی افق جامعه را پوشانده و مردم را به خوابی عمیق فرو برده است. خداوند متعال در ۲۷ مورد در قرآن کریم با لفظ «اعلموا» مردم را به صورت آشکار به فراگیری و شناخت دعوت فرموده است؛ از جمله آیات ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۲۳ و ۲۳۱ سوره بقره. حتی در مواردی بر لزوم تعلیم و تعلّم توصیه فرموده و مردم را به دلیل ترک تفقه سرزنش کرده است: «چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را انداز کنند تا شاید از مخالفت فرمان الهی حذر نمایند». (توبه: ۱۲۲)

یک) شناخت انسان به خدا

قرآن کریم انسان را بالفطره خداشناس معرفی می‌کند و مدعی است که همه انسانها در مرحله‌ای از وجود، به پروردگار خویش معرفت داشتند و به ربوبیت او اعتراف کرده‌اند و به حسب آفرینش خود، یک نوع شناخت از آفریننده خود دارند. خداشناسی به این معناست که انسان به حقیقتی برسد که درک کند خداوند علت و خالق اوست و او عین نیاز و متعلق به خداوند است. حقیقت و کنه ذات خدا را نمی‌توان شناخت؛ چون خداوند موجودی فراتر از ماده است، ولی می‌توان خدا را با نامها و صفاتی که دارد و خودش از آن خبر داده است، شناخت.

الف) علم لدّتی خاص: علم همانند وجود و نور در همه موجودات، از خدا تا مخلوق وجود دارد. اطلاق علم همانند وجود، بر خدا و خلق از باب اشتراک لفظی نیست، بلکه از باب اشتراک معنوی است و از همین رو، همه یک حقیقت را بیان می‌کنند؛ با این تفاوت که دارای مراتب تشکیکی از قوی و ضعیف است. علم لدّتی، علمی است که از طریق کشف و الهام به دست می‌آید و نام دیگر آن، علم اعلی است. این علم، مختصّ اهل قرب است و تنها با تعلیم و تفهیم ربّانی به دست می‌آید، نه با دلایل عقلی و شواهد نقلی. (زمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۶)

در روایتی آمده است خداوند دارای دو علم است: علمی که احدی را نسبت به آن آگاه نکرده و علمی که آن را به ملائکه و رسولان خویش واگذار کرده است. آنچه به فرشتگان و رسولان خویش واگذار کرده، به طور قطع به ما (اهل بیت) رسیده است. (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۵۵)

به ظاهر، علمی که از پیامبر(ص) و بالتبع از ائمه(ص) مخفی مانده، علم هفتاد و سومین حرف از حروف ۷۳ گانه «اسم اعظم» است. ناگفته نماند که در روایات فراوانی از صادقین(ع) نقل شده است که: «اسم اعظم ۷۳ حرف است؛ به حضرت آدم ۲۵ حرف داده شد، به حضرت نوح ۲۵ حرف و... و به پیامبر اسلام(ص) ۷۲ حرف. یک حرف آن نزد پروردگار، مخزون و مکنون است و احدی از مخلوقات آن را نمی‌داند». (نمازی، ۱۳۷۵: ۱۹۹)

مسلم است که حضرت حق، عالم به تمام ذرات است و برای همین، استعمال کلمه غیب نسبت به او درست نیست؛ زیرا بر او چیزی پنهان و مخفی نیست و علم او نسبت به تمامی موجودات، حضوری و ذاتی است. (اصغری نژاد، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

ب) علم لدنی عام: علمی است که خداوند، خود در قرآن کریم آن را بیان کرده یا به پیامبر(ص) عطا فرموده است و بر خلاف ریاضیات و منطق، بی تحقیق و اجتهاد و قرائت و کتابت و صنعت کسب شده و به گذشت زمان نیازمند نیست. این علم بنا به مشیت خداوند، از طریق تزکیه و اشراق نفس حاصل می شود و با توفیق و حمایت و الهام و رسالات الهی، به حقیقت نایل می شود. این طریقه، طریقه ای ربّانی و الهی است و مخصوص افرادی است که دارای روحی صاف و صیقلی یافته و پاک و مطهر می باشند. برای همین در تعریف آن گویند علم لدنی، نوری است که از مصباح غیب بر دل مصفا و لطیف آدمی بیفتد و اسرار الهی را جلوه گر سازد؛ بی آنکه میان نفس و خدا، واسطه ای باشد. (مسجدجامعی، ۱۳۸۰: ۶۷۸)

بحث شناخت خدا در دو بحث علم لدنی خاص و عام، به دو نوع تفسیر صادق و کاذب (شکل ۴) منتج می شود که به تعریف هر یک می پردازیم.

تفسیر صادق عبارت است از تفسیری که طبق قواعد و اصول، مراد واقعی متکلم را مشخص کرده است.

تفسیر کاذب عبارت است از تفسیری که طبق اصول روشمند به تفسیر نپرداخته است و لذا خلاف مراد متکلم برداشت می کند. (حاجی حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۶۰)

بهترین راه برای رسیدن به معرفت شناسی در علوم الوهی، تفسیر صادق است؛ یعنی تفسیری که با اصول روشمند به دست آمده و اکثر قرآن پژوهان، عرفا، متکلمین و ... درباره صادق بودن آن به اجماع رسیده باشند.

مثال؛ سوره حجر: «و مردم شهر شادی کنان روی آوردند (۶۷) [لوط] گفت اینان مهمانان من اند، مرا رسوا مکنید (۶۸) و از خدا پروا کنید و مرا خوار نسازید (۶۹) گفتند آیا تو را از مردم بیگانه منع نکردیم (۷۰) گفت اگر می خواهید انجام دهید، اینان دختران من اند (۷۱)».

دکتر سها در تفسیر این آیات چنین بیان می کند: مشاهده می کنید که لوط دخترانش را به مردم شهر عرضه می کند که دسته جمعی با آنان رابطه برقرار کنند و از میهمانانش بگذرند. آیا در این رفتار لوط، اثری از انسانیت می بینید؟ چه رسد به پیامبری! اولاً، این چه تعصب افراطی است که شخص حاضر باشد دخترانش را به دست قوم لوطاگر بدهد تا میهمانانش اذیت نشوند! مگر دختران، انسان نیستند؟ ثانیاً، فرستادگان در آیات قبل به لوط گفته بودند که ما فرستاده خدا هستیم و برای عذاب کردن قوم آمده ایم. بر این اساس، لوط باید می دانست که قومش نمی توانند با آنان لوط کنند و نیازی به عرضه دخترانش نیست. ثالثاً، این آیات نیز شأن زن را در اسلام نشان می دهد. زنان و حتی دختران لوط وسیله شهوترانی مردانند و

نیازی به رضایت خودشان هم نیست.

با تأکید بر تفسیر صادق، موضوع مذکور در پژوهشی بررسی شد و با ۲۰ متخصص علوم قرآنی با روش تحلیل مضمون درباره علت بیان این آیات سؤال شد و نتایج ذیل به دست آمد:

- انحرافات جنسی، عواقب جبران‌ناپذیر دارد.
- پیامبران در راه مقابله با انحرافات قوم خود، فداکاری می‌کردند.
- ازدواج، راهکار شرعی، طبیعی و قانون خلقت است.
- ازدواج، مسیر درست و صحیح رفع نیاز جنسی است.

در نتیجه، حضرت لوط(ع) به این دلیل سخن از دختران خویش به میان آورد که وجدان و فطرت قوم خویش را بیدار کند تا شاید دست از عمل خلاف خویش بردارند. بدون شک، دختران لوط تعداد محدودی بودند و آن جمعیت، افرادی زیاد؛ ولی هدف لوط این بود که ضمن تأکید بر ازدواج، با آنان اتمام حجت کند و بگوید من تا این حد نیز آماده فداکاری برای حفظ حیثیت مهمانان خویش و نجات شما از منجلاب فساد هستم.

در سوره کهف نیز یکی از مؤمنان به فرد دیگر، این معرفت‌بخشی را از طریق توجه دادن به خالقیت خدا و به وجود آمدن او به عنوان یک انسان از عدم به عالم وجود و التفات به طی کردن مراحل وجود انجام می‌دهد. همه اینها بعد مادی انسان را ملاحظه کرده است. اما در بعد ملکوتی، در سوره انسان، بیان جمعی از جهنمیان را مطرح می‌کند که نسبت به خدای خود و عذاب او هراسان‌اند. این اخبار، نوعی معرفت‌زایی دارد؛ اما چون مربوط به آخرت است، بعد ملکوتی محسوب می‌شود.

جدول ۱۰: شناخت انسان به خدا

ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۱	کهف	قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (۳۷)	رفیقش در حال گفتگوی با او به وی گفت: آیا به خداوندی که تو را از خاک، سپس از نطفه به وجود آورده، و بعد از آن به صورت مردی معتدل [و آراسته] درآورده، کافر شده‌ای؟
در بعد ملکوتی			
۱	انسان	إِنَّا نَحْنُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (۱۰)	ما از پروردگاران روزی را که عبوس و بسیار هولناک است می‌ترسیم.

دو) شناخت انسان به جهان

انسان دارای بینشها و گرایشهایی است. بینش، شناختی است که با گذشت زمان انسان نسبت به محیط اطراف خود پیدا می‌کند؛ شناختی که حاصل تجربه و علم است. گرایش، خواستها و نیازهای مادی و

معنوی انسان و محرک رشد، بالندگی، تکامل و تعالی او در زمینه‌های مختلف است. جهت‌دهی صحیح به گرایش‌های انسان، از وظایف عقل و علم است. توجه به گرایش‌های معنوی انسان و حرکت در مسیر آنها که حرکت در مسیر فطرت است، ایمان را به همراه دارد.

الف) علم شعوری: در معنای اصطلاحی شعور، دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. حکیمان، شعور را ادراک بدون استنبات برشمرده‌اند (تنهاوی، ۱۹۹۶: ۱۰۳۳) و متکلمانی همچون سید مرتضی، آن را نخستین مرتبه علم به مُدرک (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۷۳) دانسته‌اند. مفسران نیز شعور را به ابتدای علم و گاهی به ادراک دقیق (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۳۳) تفسیر کرده‌اند.

ملاصدرا پس از تکرار دیدگاه حکیمان می‌گوید: شعور، اول مرتبت حصول علم به قوه عاقله است و چنان می‌نماید که شعور، ادراک متزلزل است و از این جهت، در حق خدا اطلاق نشده است (صدرالمتکلمین، ۱۹۸۱: ۵۰۸). طبرسی ذیل آیه ۱۵۴ سوره بقره با اشاره به مراتب شعور، می‌گوید: شعور، اول علم است از راه مشاعر و حواس و به قولی شعور، ادراک دقیق مأخوذ از «شعر» است به معنی «مو» که دقیق و نازک است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۳۳). بر این اساس، شعور در مصطلح فیلسوفان، متکلمان و حتی برخی از مفسران، به معنی ادراک متزلزل و بدون استنبات بوده و با معنای لغوی آن که ادراک دقیق است، متفاوت است.

علم شعوری، علمی است که موجودی در فرایند تحقیق، تفحص، مطالعه، کندوکاو و واریسی، به صورت اکتسابی به دست می‌آورد.

ب) علم اشعاری: علمی موهبی و افاضه‌ای است که می‌توان به عنوان هبه و هدیه از جانب خداوند متعال دانست و آن علمی است که موجودات طی فرایند تزکیه نفس یا استغاثه و به صورت شهودی کسب می‌کنند. آیه ۴۴ سوره اسراء می‌فرماید: آسمانهای هفت گانه و زمین و هر کس در آنهاست او را با تسبیح گفتن، [از هر عیب و نقصی] پاک و مبرا می‌دارند و هیچ چیز نیست مگر این که همراه با ستایش او تسبیح می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید، یقیناً او بردبار و بسیار آمرزنده است.

بحث شناخت جهان در دو بحث علم شعوری و اشعاری، به دو نوع علم نافع و ضار (شکل ۴) منتج می‌شود که به تعریف هر یک می‌پردازیم.

علم نافع: علم حضوری یا حصولی است که به دنبال کشف، تبیین، توصیف، تأثیرگذاری، اختلاف و مقایسه نظام و عناصر معرفت‌شناسی سودبخش و مفید برای رشد و تعالی انسان است.

علم ضار: علم حضوری یا حصولی است که به دنبال کشف، تبیین، توصیف، تأثیرگذاری، اختلاف و مقایسه نظام و عناصر معرفت‌شناسی غیر سودمند و غیر مفید است و برای انسان هیچ رشد و تعالی به دنبال ندارد. (حاجی حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۶۶)

هادی حاجی حسن دنیادیده ♦ ۲۲۳

بهترین راه برای رسیدن به معرفت‌شناسی در علوم جهانی، معرفت‌شناسی علم نافع جامع است؛ یعنی علمی که سودمند و ارزشمند باشد و اکثر عقلا و بزرگان آن دانش درباره‌ی ارزشمند بودن آن به اجماع رسیده باشند.

مثال: و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [=الهام‌گریزی] کرد که از پاره‌ای کوه‌ها و از برخی درختان و از آنچه داربست می‌کنند خانه‌هایی برای خود درست کن. (نحل: ۶۸)

با نگاهی به آیه مذکور، علوم نافع عبارتند از: زنبورداری، شناخت منابع طبیعی، جنگلداری و باغداری و مسکن‌سازی.

در صورتی که اکثر عقلا و بزرگان رشته‌های ذکر شده درباره‌ی ارزشمند بودن آنها به اتفاق رأی دست یابند، به عنوان علوم نافع جامع قابل طرح می‌باشند.

به عبارت دیگر؛ گزاره قرآنی سوره اسراء، بر این معناست که انسان در بعد مادی از طریق ابزار چوبی حس؛ یعنی گوش و چشم و قلب که معمولاً مقصود از تعبیر قرآنی آن، عقل یا فطرت است، نسبت به محیط پیرامونی معرفت کسب می‌کند. اما برخی دیگر از آیات، مانند آیه ۳۶ یاسین، قضیه شخصی را می‌گوید که به عنوان اعتراض و رد کردن بحث معاد، استخوان پوسیده‌ای را برداشت و با دست پودر کرد و گفت که چگونه ما از این استخوان پوسیده، مبعوث می‌شویم؟ یعنی بحث معرفت سلبی؛ یعنی عدم‌العلم در این بیان کاملاً نسبت به معاد و بعث از قبور که مربوط به عالمی ملکوتی و پس از دنیا است، صحبت شده است. البته معاد گرچه جسمانی و روحانی توأمان است، اما با اخذ به معرفت نسبت به حالت روحانی آن، می‌توان آن را در بُعد ملکوت نیز جای داد و نافع بودن آن را مطرح کرد.

جدول ۱۱: شناخت انسان به جهان

در بعد مادی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۱	اسراء	وَلَا تُقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳۶)	از چیزی که به آن علم [یقینی] نداری، بلکه برگرفته از شنیده‌هاست [پیروی نکن! زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار شناخت‌اند] مورد پرسش قرار خواهند گرفت.
در بعد ملکوتی			
۱	یس	وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)	در حالی که آفرینش [نخستین] خود را [که از خاک مرده بود] فراموش کرده، برای ما مثلی زد و گفت: چه کسی این استخوانها را در حالی که پوسیده‌اند زنده می‌کند؟

سه) شناخت انسان به انسان

انسان یک مرکب دویعدی است که یک بعد او مادی و بعد دیگرش غیر مادی است (ص: ۷۲-۷۱). بعد مادی انسان منشأ طبیعت و تمایلات حیوانی او و بعد الهی او منشأ فطرت و تمایلات فوق حیوانی اوست. همین بعد است که به انسان مقامی می‌دهد که فرشتگان به خاطر آن مقام، مأمور به سجده بر انسان می‌شوند. به بعد حیوانی انسان، طبیعت و به بعد فوق حیوانی او فطرت می‌گویند. بین این دو نیرو در انسان بر سر حاکمیت بر وجود او نزاع و کشمکش دائمی وجود دارد که نتیجه آن هر چه باشد، شخصیت و سرنوشت انسان را تعیین می‌کند؛ یعنی اگر طبیعت بر وجود انسان حاکم شود، انسان فقط به سوی ارزشهای حیوانی و گیاهی متمایل می‌شود و چیزی جز آنها را نمی‌طلبد و در نتیجه فقط حیات حیوانی خواهد داشت و اگر فطرت بر وجود او حاکم شود، ارزشهای فوق حیوانی را می‌طلبد و بهره‌برداری او از کمالات حیوانی همسوا با فطرتش می‌شود و طبیعت او در استخدام فطرتش قرار می‌گیرد. فقط در این صورت است که حیات انسانی، برتر و اشرف از سایر موجودات است.

۱. **علم حضوری؛** یعنی علمی که عین واقعیت معلوم پیش عالم (نفس یا ادراک کننده دیگری) حاضر است و عالم شخصیت معلوم را می‌یابد، مانند علم نفس به ذات خود و حالات وجدانی و ذهنی خود. معرفت حضوری، شناخت بدون واسطه مفاهیم و صور ذهنی است. در این گونه معرفت، انسان خود واقعیت را چنانکه هست، بدون مفاهیم و صور ذهنی می‌یابد. (حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۶)
 ۲. **علم حصولی؛** یعنی علمی که واقعیت معلوم پیش عالم حاضر نیست، فقط مفهوم و تصویری از معلوم پیش عالم حاضر است؛ مثل علم نفس به موجودات خارجی از قبیل زمین، آسمان، درخت، انسانهای دیگر و اعضای بدن خود شخص ادراک کننده. (طباطبایی و مطهری، ۱۳۸۸: ۸۳)
- بحث شناخت انسان به خودش، در دو بحث علم حصولی و علم حضوری، به دو نوع علم ثمین و علم قمامه (شکل ۵) منتج می‌شود که به تعریف هر یک از آنها می‌پردازیم.
- علم ثمین، عبارت است از علم حضوری یا حصولی که به دنبال کشف، تبیین، توصیف، تأثیرگذاری، اختلاف و مقایسه نظام و عناصر معرفت‌شناسی با تأکید بر ارزشهای انسانی است.
- علم قمامه، علم حضوری یا حصولی است که به دنبال کشف، تبیین، توصیف، تأثیرگذاری، اختلاف و مقایسه نظام و عناصر معرفت‌شناسی با تأکید بر ارزشهای غیر انسانی است. (حاجی‌حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۷۸)
- بهترین راه برای رسیدن به معرفت‌شناسی در علوم انسانی، معرفت‌شناسی علم ثمین غایت‌محور است؛ یعنی علمی که ارزشمند باشد و انسان را به جایگاه حقیقی خود که انسان متعالی است برساند و اکثر متخصصان و دانشمندان آن علم، درباره تعالی رساندن آن اتفاق نظر داشته باشند.
- مثال: پسر کم! اگر [عمل کسی] هموزن دانه خردلی [باشد و] در درون سنگی [نامعین]، یا در آسمانها یا

هادی حاجی حسن دنیادیده ♦ ۲۲۵

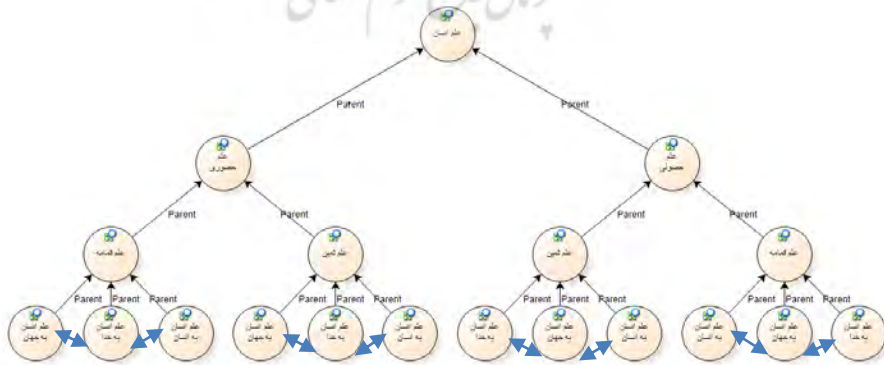
در درون زمین قرار گیرد، خداوند آن را [در قیامت برای حسابرسی] می آورد. یقیناً خداوند بسیار ریزنگر و آگاه است.

با رجوع به ترجمه آیه ۱۶ سوره لقمان می توان علوم ثمین را منتج کرد که عبارتند از: ناظر بودن خدا بر اعمال ریز و درشت انسان، حسابرسی اعمال در قیامت و شناخت صفات الهی.

در صورتی که اکثر متخصصان و دانشمندان این علوم درباره تعالی رساندن آنها اتفاق نظر داشته باشند، به عنوان علوم ثمین غایت محور قابل طرح اند. به تعبیری بهتر؛ انسان نسبت به خود و هموعانش از طرق مختلفی معرفت کسب می کند؛ برای مثال، در داستان موسی و خضر در سوره کهف، موسی را وعده می دهد که به زودی از تأویل و حقیقت آنچه انجام دادم، آگاه خواهی شد و در ادامه، این آگاهی از سوی خود خضر برای موسی صورت می پذیرد. این جریان در دنیا و بنا بر اتفاقاتی که رقم خورد، توسط خضر انجام شد و لذا بعد مادی مطرح می شود. اما برخی گزاره های قرآن، به شناخت ملکوتی انسان نسبت به خود و هموعانش؛ یعنی انسان دلالت دارند؛ مانند سخن گفتن بهشتیان که در سوره صافات به آن اشاره شده است. نتیجه این احوالپرسی، معرفت بخش است؛ اولاً، برای آنها و ثانیاً، برای انسانهایی که این آیات را مطالعه می کنند.

جدول ۱۲: شناخت انسان به انسان

در بعد مادی			
ردیف	سوره	آیه	ترجمه
۱	کهف	قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (۷۸)	گفت: [ای موسی!] اکنون [هنگام] جدایی بین من و توست، به زودی تو را به [حقیقت و] تفسیر آنچه توانستی بر آن شکیبایی کنی آگاه می کنم.
در بعد ملکوتی			
۱	صافات	قَالَ تَاللَّهِ إِنَّ كَيْدَاتِ كُرْدِينَ (۵۶)	[به او] می گوید: به خدا سوگند نزدیک بود مرا [با نیرنگ و وسوسهات] به هلاکت اندازی.



شکل ۵: مدل ارتباطی شناخت انسان (حاجی حسن دنیادیده، ۱۳۹۹: ۱۸۰)

(د) بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از پژوهش، معرفت‌شناسی در علوم انسانی را به صورت یک سیستم نشان می‌دهد که اجزای آن با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگی‌اند و هر یک نسبت به خود و دیگری، شناختی دارند که برای رسیدن به هدف غایی که قرب الی‌الله است در تعامل‌اند. برای پیاده‌سازی معرفت انسان در سه حوزه خدا، جهان و انسان در علوم انسانی، روشهای مختلفی به دست آمد. برای رسیدن به معرفت‌شناسی باید عناصر متقابل شناخت بررسی شود. با توجه به سه عنصر اصلی معرفت‌شناسی (خدا، جهان و انسان) و نوع رابطه‌های شناختی ایجاد شده در این فرایند، در مبحث شناخت خدا به خود، جهان و انسان، با روش علم لدنی صادق می‌توان به معرفت رسید. در مبحث شناخت جهان به خود، خدا و انسان، با روش علم نافع جامع می‌توان به معرفت دست یافت و در مبحث شناخت انسان به خود، خدا و جهان، با روش علم ثمین غایت‌محور می‌توان به معرفت دست یافت.

محصول عقل نظری، حکمت نظری و گزاره‌هایی اخباری درباره عالم و آدم است، اما رسالت عقل عملی، تفکر درباره بایدها و نبایدهای رفتار برای تغییر و اصلاح جان و جهان و چگونگی‌ها و چرایی‌های آن است. شناخت و معرفت‌پذیری اسلامی زمانی صورت می‌گیرد که بتوان محصول عقل نظری و عقل عملی را در چارچوب روابط پیچیده‌ای از عناصر مختلف شناخت خدا، جهان و انسان در ابعاد خدای توحیدی و الهه شرک، جهان طبیعی و ماورای طبیعی و انسان مادی و انسان ملکوتی سازماندهی کرد.



منابع

- قرآن کریم. ترجمه برخط حسین انصاریان.
- اصغری نژاد، محمد (۱۳۸۵). «پژوهشی در علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم». فرهنگ کوثر، ش ۶۶.
- ایناتی، شمس (۱۳۸۷). «مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی». ترجمه قدرت‌الله قربانی. ذهن، ش ۳۵-۳۴.
- تهنائی، محمدعلی (۱۹۹۶). کشف اصطلاحات الفنون و العلوم. بیروت: مکتبه لبنان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). علم دینی. جستارهایی در علم‌پژوهی دینی. تنظیم و ویرایش حمید پارسایان. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
- حاجی حسن دنیادیده، هادی (۱۳۹۹). طراحی الگوی معرفت‌شناسی اسلامی با تأکید بر علوم انسانی در نظام آموزش عالی ایران. به راهنمایی محمدرضا شاه‌آبادی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- حسین زاده، محمد (۱۳۹۳). مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسین زاده، محمد (۱۳۹۴). معرفت، چستی، امکان و عقلانیت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسین زاده، محمد (۱۳۸۷). معرفت لازم و کافی در دین. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زمانی، کریم (۱۳۹۷). شرح جامع مثنوی معنوی. تهران: اطلاعات، ج پنجاهم.
- سبزواری، ملا هادی (۱۳۸۷). درر القوائد. شارح: محمدتقی آملی. قم: اسماعیلیان.
- سهروردی، یحیی (۱۳۹۲). حکمه الإشراق. شارح: ملاصدرا و دیگران. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- سید مرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین (۱۴۰۵ ق). رسائل المرتضی. قم: دارالقرآن الکریم.
- شاه‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۸). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. تهران: محیط، چ دوم.
- صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم (۱۹۸۱). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث.
- طباطبایی، سید محمدحسین و مرتضی مطهری (۱۳۸۸). اصول فلسفه. تهران: صدرا.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، ش ۲.
- عیاشی، ابونصر محمدبن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی، ج ۱. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۸۰). معرفت‌شناسی دینی. قم: زلال کوثر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۱ ق). اصول کافی، ج ۱. بیروت: دارصعب و دارالتعارف، چ چهارم.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق). اصول الکافی، ج ۴. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش در روش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی). تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدرضایی، محمد (۱۳۹۵). «معرفت‌شناسی اسلامی و علم دینی». جستارهایی در علم‌پژوهی دینی. قم:

- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
- مسجدجامعی، علی‌رضا (۱۳۸۰). پژوهشی در معارف امامیه، ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). قرآن‌شناسی، ج ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 - مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مجموعه آثار، ج ۲. تهران: صدرا.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - ملاصدرا (۱۳۶۶). شرح اصول الکافی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 - نجمیاس، دیوید و چاوا فرانکفورد (۱۳۸۹). روشهای پژوهش در علوم اجتماعی. ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی. تهران: سروش.
 - نمازی، علی (۱۳۷۵). اثبات ولایت. تهران: نیک معارف.

ترجمه منابع فارسی

Resources

- **The Holy Quran.**
- Abdollahi, Mehdi (2013). “**Philosophical Foundations of Humanities**”. *Qabsat*, 18th year: 78-49.
- Abedi Jafari, Hassan; Mohammad Saeed Taslimi, Abul Hassan Faqihi & Mohammad Sheikhzadeh (2011). “**Theme Analysis and Theme Network: A Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data**”. *Strategic Management Thought*, Year 5, Issue 2.
- Asgharinejad, Mohammad (2006). “**Research in the science of the Prophet, peace be upon him and his family**”. *Farhang Kowsar*, No. 66.
- Ayashi, Abu Nasr Muhammad bin Massoud (2001). *Tafsir Ayashi*, Vol. 1. Tehran: Islamic Scientific Library.
- Faali, Mohammad Taghi (2001). *Religious epistemology*, Qom: Zalal Kowsar.
- Haji Hassan Denyadideh, Hadi (2020). **Designing a model of Islamic epistemology with emphasis on humanities in the Iranian higher education system**. Under the guidance of Mohammad Reza Shahabadi. Tehran: Islamic Azad University and South Tehran.
- Hosseinzadeh, Mohammad (2014). **Epistemological foundations of humanities**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Publishing Center.
- Hosseinzadeh, Mohammad (2015). **Knowledge, what, possibility and rationality**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute,

Publishing Center.

- Hosseinzadeh, Mohammad (2008). **Necessary and sufficient knowledge in religion**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Publishing Center.
- Inati, Shams (2008). “**An Introduction to Epistemology in Islamic Philosophy**”. translated by Qudratullah Ghorbani. *Quarterly Journal of Mind*, No. 34-35.
- Javadi Amoli, Abdullah (2016). **Religious Science. edited by Hamid Parsania. Researches in Religious Science Research**. Qom: Representation of the Supreme Leader in Universities, Maaref Publishing Office.
- Kolini, Muhammad ibn Ya'qub (1401). **Osul al-Kafi**, Vol. 1. Beirut: Dar Sa'b and Dar al-Ta'rif, fourth edition.
- Kolini, Muhammad ibn Ya'qub (1407). **Osul al-Kafi**, Vol. 4. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Makarem Shirazi, Nasser (1997). **Payam Quran**. Tehran: Islamic Books House.
- Masjed Jamei, Ali Reza (2001). **Research in Imami Education.**, Vol. 2 Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2011). **Quran Shenasi**, Vol. 2. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Mohammadpour, Ahmad (2010). **Method by Method (On the Construction of Knowledge in the Humanities)**. Tehran: Sociologists Publications.
- Mohammad Rezaei, Mohammad (2016). **Islamic epistemology and religious science; Researches in Religious Science Research**. Qom: Representation of the Supreme Leader in Universities, Maaref Publishing Office.
- Motahari, Morteza (1997). **Collection of works**, Vol. 2. Tehran: Sadra Publications.
- Mulla Sadra (1987). **Description of Al-Kafi Principles**. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education. Institute of Cultural Studies and Research (Research Institute).
- Namazi, Ali (1996). **Proof of Province**. Tehran: Nik Maaref Publishing.
- Nechmias, David & Chava Frankford (2010). **Research Methods in Social Sciences**. translated by Fazel Larijani & Reza Fazeli. Tehran: Soroush Publications.

- Sabzevari, Hadi (2008). **Darr al-Fawid**. commentator: Mohammad Taqi Amoli. Qom: Ismailian.
- Sadr al-Mutallahin, Muhammad ibn Ibrahim (1981). **The Supreme Wisdom in the four intellectual journeys**. Beirut: Darahiyah Al-Tarath.
- Sayyid Murtadha, Abu al-Qasim Ali ibn Husayn (1405). **Resalat al-Murtada**. Qom: Dar al-Quran al-Karim.
- Shahabadi, Mohammad Reza (2019). **Philosophical Schools and Educational Opinions**. Tehran: Mohit Publications, Second Edition.
- Suhrawardi, Yahya (2013). **The Wisdom of Illumination**. Commentary: Mulla Sadra and others. Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1983). **Collection of Statements in the Interpretation of the Qur'an**. Tehran: Naser Khosrow Publications.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein & Morteza Motahari, (2009). **Principles of Philosophy**. Tehran: Sadra Publications.
- Tahnavi, Mohammad Ali (1996). **Discoverer of Terms of Arts and Sciences**. Beirut, Lebanese Library.
- Zamani, Karim (2018). **Comprehensive description of Masnavi Manavi**. Tehran: information, edition 50.

